

خانه خواجه پطرس

نویسنده: سید روح الله سید العسگری

مقدمه

مهاجرت ارمنیان به ایران در عصر صفوی از مهم ترین رخداد‌های تاریخ آنان محسوب می شود که در سیر تاریخی حیات این ملت متمدن تأثیراتی شگرف بر جای نهاده است.

ارمنیان پس از شکل گیری شهرک جلفا و استقرار در اصفهان با توجه به توانمندی های اقتصادی خود و آزادی های فرهنگی ای که از سوی شاهان صفوی، خصوصاً شاه عباس اول، به آنان اعطا شده بود جلفا را به یک قطب بزرگ اقتصادی، فرهنگی و هنری مبدل ساختند به نحوی که در طول حیات یکصد ساله ی جلفا، در عصر صفوی، شاهد ظهور تجار بزرگی مانند خواجه نظر، خواجه آودیک، خواجه پطرس، خواجه سرافراز و ... در این منطقه هستیم. فعالیت ها و حمایت های این بازرگانان و فضای فرهنگی به وجود آمده در جلفا سبب پدید آمدن هنرمندان بزرگی نیز در این منطقه شد که برخی از آنان همچون میناس نقاش آوازه و شهرت جهانی یافتند.

در این عصر همچنین در کنار مکتب غنی معماری اصفهان مکتب معماری جدیدی در جلفا به وجود آمد که در حقیقت تلفیقی از معماری سنتی ایرانی و معماری اصیل ارمنی، متأثر از معماری ارمنستان، بود و حاصل آن خانه ها و کلیساهایی شد برگرفته از این دو شیوه تواتم با هنرهای زیبایی تزئینی شامل درب و پنجره های منقوش، شیشه های رنگی و تزیینات نقاشی.

از جمله ی این خانه ها خانه ی خواجه پطرس، از رجال سرشناس ارمنی عصر صفوی، است. در این نوشتار کوشیده ایم تا به شیوه ای مختصر معماری این بنا و هنرهای تزئینی به کار رفته در آن را معرفی کنیم.

پس از کوچ ارمنیان به اصفهان و اسکان آنان در حاشیه ی زاینده رود به فرمان شاه عباس اول صفوی ارمنیان در این منطقه شهرکی به نام جلفای نو بنا کردند که نمادی از موطن آنان بود. به دلیل توانمندی های ارمنیان در تجارت پادشاه صفوی برای آنان حقوق و مزایایی قائل شد، به آنان آزادی مذهبی اعطا کرد و اجازه داد تا از میان خود کلانتر و قاضی انتخاب کنند. با اختیاراتی که پادشاه صفوی به ارمنیان داده بود آنان توانستند ثروتی فراوان از راه تجارت به دست آورند و از لحاظ فرهنگی، هنری و بازرگانی پیش رفت کنند و به این ترتیب، جلفا تبدیل به یکی از ثروتمندترین شهرک های اصفهان شد که تمامی مورخان و سیاحان آن دوران در کتاب ها و سفرنامه های خود به جلال و شکوه آن اشاره کرده اند، از جمله پیتر دلاواله، سیاح ایتالیایی، که در اواسط دوران سلطنت شاه عباس اول از اصفهان بازدید کرده در سفرنامه ی خود به ثروتمند بودن اهالی جلفا اشاره کرده است. او همچنین جلفا را یکی از دلایل گسترش شهرسازی در اصفهان دانسته زیرا در زمان شاه عباس اول با ایجاد خانه ها و ساخت و سازهایی که در اطراف اصفهان، به خصوص جلفا، صورت گرفت به عظمت اصفهان افزوده شد. [۲]

آثار به جای مانده از دوران صفویه نیز نشان از عظمت، شکوه و ثروت جلفا در آن دوران دارد.

شاردن، سیاح معروف فرانسوی که در دوران صفویه به ایران آمده بود، در سفرنامه‌ی خود از بازرگانان و تجار ارامنی سخن می‌گوید که دارایی‌های آنان به دو سه میلیون فرانک می‌رسیده. [۳]

بسیاری از این ثروتمندان به دلیل دارا بودن موقعیت اجتماعی ویژه و توانمندی مالی شروع به ساخت خانه‌هایی مجلل و زیبا کردند و برای تزیین آنها از هنر هنرمندان و استادکاران مشهور و بنام بهره‌جستند. از جمله‌ی این خانه‌های زیبا که از عصر صفوی برجای مانده خانه‌ی خواجه پطرس است.

خواجه پطرس از وابستگان خاندان بزرگ ولیجانیان بود که به همراه سایر ارمنیان جلفای ارس به اصفهان کوچ کردند. پس از استقرار ارمنیان در اصفهان خواجه بغوس بزرگ خاندان ولیجانیان شد و پس از وی فرزندش، خواجه پطرس، این سِمَت را به عهده گرفت. خواجه پطرس به علت صداقتی که داشت مورد اعتماد شاه ارمنیان بود و افزون بر این مسئله وفور دارایی و عرق مذهبی وی سبب شد تا با تأیید شاه و انتخاب ارمنیان به سِمَت کلانتر منصوب شود.

خواجه پطرس از ثروتمندترین افراد جلفا در دوران خود بود به گونه‌ای که تاورنیه سیاح فرانسوی، که در زمان وی از اصفهان بازدید کرده بود، در سفرنامه‌ی خود نوشته است کلانتر ارمنیان جلفا درآمد زیادی دارد تا جایی که اموال خواجه پطرس، کلانتر، جدای از خانه‌ها و املاکش در دهات، جواهرات، ظروف و اثاثیه‌ی طلا و نقره‌ی او شامل چهل هزار تومان نقره است. [۴]

آورده اند روزی صدر اعظم شاه عباس دوم، ساروتقی، به شاه اعلام کرد کسانی از ارمنیان جلفا هستند که ثروتشان از شاه بیشتر است و چون شاه از وی پرسید منظور او چه کسانی هستند جواب داد خواجه پطرس ولیجانیان که اگر سرمایه‌ی او را به سکه‌های نقره تبدیل کنیم و آنها را در گونی‌های کتانی بگذاریم و در ۲۱ دهانه‌ی پل خواجه قرار دهیم قادرند گذر آب را بر زاینده رود ببندند.

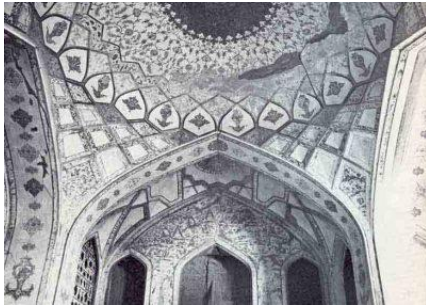
خواجه پطروس دارای باغات، خانه‌ها و اراضی متعدد بود که آنها را صرف امور خیریه و کمک به ارمنیان محتاج جلفا می‌کرد. وی بانی بزرگ‌ترین کلیسای جلفا به نام بیت اللحم در ۱۰۷۷ هـ ق / ۱۶۲۸ م است. در کتیبه‌ی بالای سقف محراب نوشته‌ای با این مضمون وجود دارد که یاد کنید خواجه پطرس را نزد مسیح. خواجه پطرس کبیر آن فرد محبوب که این کلیسا را به یاد پدرش بغوس و مادرش شوشان ساخته، خدایشان بیامرزد. می‌گوید خواجه پطرس به دلیل ازدحام جمعیت به هنگام برگزاری مراسم عبادی در کلیسای مریم دستور ساخت کلیسای بیت اللحم را داد.

خواجه پطرس چهار پسر داشت به نام‌های بغوس، میناس، هوانس و غوکاس که همگی به شهرت رسیدند. خواجه پطرس پس از مرگ در قسمت غربی کلیسای بیت اللحم به خاک سپرده شد. [۵]

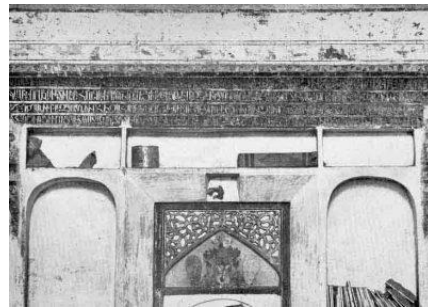
پس از مرگ خواجه پطرس اموال او بین فرزندانش تقسیم شد و تنها یادگاری که از آن همه باقی ماند خانه‌ی وی بود. متأسفانه این خانه، که در قلب جلفای اصفهان قرار دارد، برای اهالی جلفا و مردم شهر اصفهان چندان شناخته شده نیست و گمنام مانده. به دلیل آنکه این خانه بعدها به خانواده‌ی هراتیان فروخته شد اکثر اهالی جلفا آن را خانه‌ی هراتیان می‌دانند و از سابقه و صاحب اصلی خانه اطلاعی ندارند. بنا بر کتیبه‌ی ای که به زبان ارمنی نوشته شده این بنا در ۱۰۴۶ هـ ق یعنی در دوران سلطنت شاه صفی ساخته شده است. [۶]

خانه دارای مساحت زیادی بوده که به مرور زمان و همگام با تغییرات ساختار شهری دچار تغییر و تحول شده. ساخت بنا از دو جبهه بوده که در آن زمان با باغی از هم جدا می‌شده؛ بخشی برای تابستان و بخشی دیگر برای ایام زمستان. ساختمان دارای دو طبقه

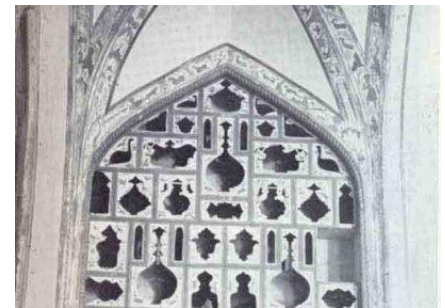
است. طبقه‌ی همکف از یک اتاق مرکزی با سقف بلند و گنبدی شکل و دو اتاق کوچک چهارگوش تشکیل شده. در قسمت جنوبی



نمای داخلی خانه خواجه پطرس



دیوار اتاق مرکزی تزئیناتی به شکل گچبری



دید می شود که شامل حجم هایی مانند کاسه‌ی صراحی و ظروف دیگر است. مشابه این تزئینات در کاخ عالی قاپو هم به چشم می خورد.

در وسط این اتاق حوض آبی وجود دارد که از سنگ مرمر ساخته شده. فرورفتگی ای نیز در همین قسمت دیده می شود که به جای بخاری اختصاص داشته و در بالای آن بقایای نوشته ای به زبان ارمنی وجود دارد که به نام سازنده‌ی بنا ماتوس و سال تولد خواجه پطرس اشاره می کند. در تالار دیوارنگاری بزرگی به چشم می خورد معروف به تابلو جنگ شاه عباس اول با عثمانیان که نبرد شاه صفوی را با قوای عثمانی، واقع در پشت دروازه های ایروان، به نمایش کشیده است. این نقاشی هم برای ایرانی ها و هم برای ارمنی ها اهمیت دارد. علت اهمیت آن برای

نمای داخلی خانه خواجه پطرس

نمای داخلی خانه خواجه پطرس

ایرانی ها آن است که در این جنگ شاه

عباس اول توانست به کمک سردار معروف خود، الله وردی خان و ارمنیانی که به اطاعت درآمده بودند، از جمله ملک شاه نظر، که در التزام شاه بود، ایروان را فتح کند و برای ارمنی ها به این دلیل اهمیت دارد که طی این نبرد ایروان از دست ترکان عثمانی آزاد شد. این دیوارنگاری همچنین به علت نشان دادن ویژگی های انسانی و حیوانی، آلات موسیقی، ابزارآلات جنگی و نوع پوشش و لباس مردان و زنان قابل توجه و حائز اهمیت است. [۷]

در این دیوارنگاری، چهره‌ی شاه عباس را دقیقاً با توصیفات که مورخان و سیاحان آن دوران درباره‌ی او آورده اند به چشم می خورد؛ یعنی، با گرز در دست، لباسی زرد رنگ، قامتی برافراشته و سبیل هایی کلفت. در پشت سر شاه عباس یک هندی با لباسی متفاوت از سایرین به تصویر کشیده شده. این شخص میرمعصوم، فرستاده‌ی جلال الدین اکبرشاه، است که برای اعلام فتوحات اکبرشاه به شاه عباس به ایران آمده بود. در پایین این نقاشی طاقچه هایی وجود دارد که داخل آنها نیز نقاشی شده است. [۸]

در سقف تالار نیز ترنج بسیار بزرگی با تزئینات گل بته ای به رنگ مشکی و قهوه ای به چشم می خورد که با اشکال هندسی در اطراف ترنج تزئین شده است. اتاق های اطراف تالار نیز، که قرینه‌ی یکدیگرند، تزئینات گل بوته ای دارند و در هریک از آنها هم یک بخاری دیواری وجود داشته. طبقه‌ی فوقانی ساختمان بیش از همکف آسیب دیده. بنابراین اطلاعات کمتری از آن می توان به دست آورد اما آنچه در این طبقه به وضوح به چشم می خورد قرینه سازی پله ها، پنجره ها، راهروها و طاقچه هاست. تمامی تزئینات و نقاشی های این خانه کار چند نقاش معروف ارمنی است. ساخت این بنا در سده‌ی هفدهم میلادی هم زمان است با دوران زندگی چند تن از نقاشان بزرگ ارمنی که تزئین کلیساها و خانه های ارمنیان را به عهده داشتند. معروف ترین آنها میناس نقاش است که نقاشی را در حلب نزد استادان اروپایی تعلیم دیده بود. پس از آمدن میناس به اصفهان شهرت وی به سرعت بر سر زبان ها افتاد و

تجار و بازرگانان ارمنی از او برای نقاشی و تزیین خانه های خود دعوت کردند. از جمله ی این بازرگانان خواجه سرافراز از بزرگان ارمنیان در قرن هفدهم میلادی است که شاه صفی صفوی نخستین بار کار میناس را در خانه ی او مشاهده و از میناس برای تزیین کاخ های خود دعوت کرد. [۹] در بایگانی کلیسای وانک، سندی از شاه صفوی درباره ی میناس وجود دارد که متن آن به قرار زیر است:

((همیون اعلی حکم عالی شد آنکه چون مسموع شد که نادرالعصر، استاد میناس نقاش، دست از کار اینجانب کشیده و جهت دیگر نقاشی می کند درباب تعلیم سواد نصاب استاد رضا تغافل و تکاهل می نماید می باید که نوعی نماید که باعث خجالت و شرمندگی ایشان نشود و آنچه لازم و سعی و کوشش باشد به علم آورند که فرد مسموع نخواهد و اگر من بعد از اثر تغافل و کاهلی ظاهر شود و به عرض نواب رساند، ایشان را با خانه کوچ بدین صورت خواهد آورد. غرض که دیگر تقصیر شد تخلف جایز ندارد در عهد شناسد)). مضمون سند حاوی اختار شاه صفی به میناس و دعوت او به ادامه ی کار است که نقاشی یکی از کاخ های شاه را نیمه کاره رها کرده و دست از کار کشیده بود.

با توجه به مهارت میناس و شهرت او چه در بین اهالی جلفا و چه در بین سران حکومتی نقاشی اکثر کلیساها و خانه های جلفا را در آن زمان میناس می کشید، از جمله نقاشی کلیسای بیت اللحم که بانی خیر آن خواجه پطرس است. در کتیبه ی این کلیسا آمده تصاویر را میناس و ماردو پروس و گل بته های آن را استواد زور نقاشی کرده اند. [۱۰] به این ترتیب، با توجه به اینکه میناس در نقاشی کلیسای بیت اللحم مشارکت داشته به احتمال زیاد نقاشی های خانه ی خواجه پطرس نیز از کارهای اوست.

نام میناس در کتیبه ای در خانه ی خواجه پطرس به چشم می خورد. در این کتیبه آمده در زمان رهبری هاکوپ، جاثلیق مقدس، به سال ۱۶۶۸م مرمت خانه به دست ماتئوس میناس صورت گرفته. آرزوی من این است که شما دوستان هنگام دیدن و لمس کردن این نقاشی ها ماتئوس و والدین و پدر و خواجه پطرس و نزدیکان او را به یاد آورید.

در آن زمان نقاشان دیگری نیز بودند، از جمله هوانس مرکوز، هاکوپ جان، خواجه استپانوس که احتمالاً در کشیدن نقاشی های خانه ی خواجه پطرس مشارکت داشته اند.

خانه ی خواجه پطرس شباهت زیادی به خانه ی اعیان اصفهان در عصر صفوی دارد به طوری که نمای درونی آن از نمای بیرونی زیباتر است.

کمپفر، سیاح آلمانی دوران شاه سلیمان صفوی، که از چنین خانه هایی دیدن کرده درباره ی آنها می نویسد: ((تمام جلال و شکوه خانه های اصفهان در درون آنهاست و بیرون آنها عمدتاً از خشت و گل ساخته شده و خانه های ارمنیان جلفا زیباتر از خانه های اعیان اصفهان است زیرا با روح تر است)). [۱۱]

در حال حاضر، این میراث فرهنگی به جای مانده از دوران صفوی پس از گذراندن فراز و نشیب هایی در طول تاریخ بازسازی شده و در اختیار دانشگاه هنر اصفهان قرار گرفته است. هم زمان با ساخت خانه ی خواجه پطرس خانه های زیبای دیگر نیز در جلفا ساخته شد. از معروف ترین آنها خانه ی داوید، سوکیاس و مارتاپیترز است که با نقاشی های زیبایی تزیین شده اند. این خانه ها نیز هم اکنون در اختیار دانشگاه هنر اصفهان قرار دارند و برخی از رشته های هنر در آنها تدریس می شود.

منابع :

- اسکندر بیک منشی. عالمآرائ عباسی. به کوشش برادران شاهرودی. تهران: [بی نا]، ۱۳۶۴.
- تاورنیه، ژان باتیست. سفرنامه‌ی تاورنیه. ترجمه‌ی ابوتراب نوری نظام الدوله. با تجدید نظر وحید شیرانی. تهران: [بی نا]، ۱۳۳۶.
- دلاواله، پیتر. سفرنامه‌ی پیترودلاواله. ترجمه‌ی شعاع الدین شفا. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.
- سجادی نائینی، سید مهدی. راهنمای جدید شهر اصفهان. اصفهان: مهر، ۱۳۸۰.
- شاردن. سفرنامه‌ی شاردن. ترجمه‌ی حسین عریضی. اصفهان: [بی نا]، ۱۳۷۹.
- قازاریان، مانیا. هنر نقاشی جلفای نو اصفهان. ترجمه‌ی ادیک گرمانیک. تهران: هوپک ادگاریان، ۱۳۶۳.
- کمپفر، انگلبرت. سفرنامه‌ی کمپفر. ترجمه‌ی کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی، ۱۳۶۳.
- منجم یزدی، ملا جلال الدین. تاریخ عباسی یا روزنامه‌ی ملاجلال. به کوشش سیف الله وحیدنیا. تهران: وحید، ۱۳۶۶.
- هوهانیان، هارتون. تاریخ جلفای اصفهان. ترجمه‌ی لئون میناسیان و احمد علی موسوی. [بی نا]: [بی نا]، ۱۳۷۹.
- پی نوشت ها:
- ۱- کارشناس ارشد تاریخ
 - ۲- پیترودلاواله، سفرنامه‌ی پیترودلاواله، ترجمه‌ی شعاع الدین شفا (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶)، ص ۳۶.
 - ۳- شاردن، سفرنامه‌ی شاردن، ترجمه‌ی حسین عریضی (اصفهان: بی نا، ۱۳۷۹)، ص ۱۶۲.
 - ۴- ژان باتیست تاورنیه، سفرنامه‌ی تاورنیه، ترجمه‌ی ابوتراب نوری نظام الدوله، با تجدید نظر وحید شیرانی (تهران: بی نا، ۱۳۳۶)، ص ۶۲۶.
 - ۵- هارتون هوهانیان، تاریخ جلفای اصفهان، ترجمه‌ی لئون میناسیان و احمد علی موسوی (بی نا: بی نا، ۱۳۷۹)، ص ۸۸.
 - ۶- سید مهدی سجادی نائینی، راهنمای جدید شهر اصفهان (اصفهان: مهر، ۱۳۸۰)، ص ۱۴۷.
 - ۷- برای اطلاع بیشتر از این نبرد ر. ک: اسکندر بیک منشی، عالم آراء عباسی، به کوشش برادران شاهرودی (تهران: بی نا، ۱۳۶۴)، ص ۴۷۹.
 - ۸- برای اطلاع بیشتر ر. ک: ملا جلال الدین منجم یزدی، تاریخ عباسی یا روزنامه‌ی ملاجلال، به کوشش سیف الله وحیدنیا (تهران: وحید، ۱۳۶۶)، ص ۲۵۵.
 - ۹- مانیا قازاریان، هنر نقاشی جلفای نو اصفهان، ترجمه‌ی ادیک گرمانیک (تهران: هوپک ادگاریان، ۱۳۶۳)، ص ۲۰۸.
 - ۱۰- اصل سند به شماره‌ی ۱۱، در بایگانی موزه‌ی کلیسای وانک موجود است.
 - ۱۱- قازاریان، همان، ص ۲۰۸.